



An Approach to the Role of Context in the Exegetic Differences between Ayatollah Sadeqi Tehrani and Ayatollah Javadi Amoli in the Verse of Shortening the Prayers

Seyyed Ahmed Abedinpoor* | Alireza Tabibi** | Ali Hasanbagi*** | Kayvan Ehsani****

Received: 2023 Feb 24 | Received in revised form: 2022 Aug 3 | Accepted: 2022 Sep 24 | Published: 2023 Jun 22

Abstract

One of the rational principles of conversation among human beings is attention to the context of words to understand their meaning and intent. Discovering the meanings and intent of verses of the Quran is also not exempt from this because they have been revealed in accordance with human language and the rules that govern it. Quranic exegetes have a consensus regarding the actual necessity of attention to contexts in exegesis; however, they differ in their views and way of utilizing context and this matter has played an effective role in the emergence of exegetic differences. The present study has been organized with the aim of examining and evaluating the approaches of Sadeqi Tehran and Javadi Amoli regarding the types of contexts and their effects on the exegetic differences about the verse of shortening the prayers using an analytic-comparative method. The findings of the study show that the two exegetes operate differently in their approach to context and its applications in the interpretation of the verse despite being aligned in their exegetic methods and religious denomination and this matter has a great impact on the exegetic differences between the two. Given that Sadeqi Tehrani is inclined, to a great extent, to Quran-sufficiency in interpretation, he has mostly used the conjunct and disjunct contextual proofs of verses and since he has a critical view toward narrations, has used narrative contexts less in the interpretation of the verse. However, even though Javadi Amoli has used proofs such as context and conjunct verses, considering that he regards the abovementioned verse as one of the verses that contain a religious ruling and that there are reliable narrations from the Infallibles (peace be upon them) that explain it, he has mostly used the disjunctive context of narrations.



Keywords: contexts, exegetic differences, Sadeqi Tehrani, Javadi Amoli.

* PH.D. candidate, Quran and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran (corresponding author) | abedinpoor64@gmail.com. 0000-0002-3505-3714

** Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran | a-tabibi@araku.ac.ir. ORCID ID: 0000-0002-5816-0950

*** Associate professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran | hasanbagi@araku.ac.ir. ORCID ID: 0000-0002-9375-8317

**** Assistant professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Arak, Arak, Iran | k-ehsani@araku.ac.ir. ORCID ID: 0000-0002-9331-7589

■ Abedinpoor, S.A; Tabibi, A.R; Hasanbagi, A; Ehsani, K. (2022) An Approach to the Role of Context in the Exegetic Differences between Ayatollah Sadeqi Tehrani and Ayatollah Javadi Amoli in the Verse of Shortening the Prayers. *Comparative Interpretation Research*, 9 (17) 33-54 .Doi: <https://doi.org/10.22091/PTT.2023.8593.2154>.



رهیافتی بر نقش قرائن در اختلافات تفسیری آیت‌الله صادقی تهرانی و آیت‌الله جوادی آملی در آیه قصر نماز

سید احمد عابدین پور* | علیرضا طبیبی** | علی حسن بیگی*** | کیوان احسانی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۳۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱

چکیده

توجه به قرائن کلام برای فهم معنا و مراد آن، از اصول عقلایی محاوره میان انسان‌هاست. کشف معانی و مقاصد آیات قرآن کریم نیز از این امر مستثنا نیست؛ زیرا منطبق با زبان بشری و قواعد حاکم بر آن نازل شده است. مفسران قرآن در اصل لزوم توجه به قرائن در تفسیر وحدت نظر داشته، اما در نگرش و نحوه کاربست قرائن، دارای عملکردی متفاوت بوده‌اند که این امر، نقش مؤثری در بروز اختلافات تفسیری داشته است. پژوهش حاضر، باهدف بررسی و ارزیابی رویکرد صادقی تهرانی و جوادی آملی به انواع قرینه و تأثیر آن در اختلافات تفسیری آیه قصر نماز با روش تحلیلی-تطبیقی، سامان یافته است. نتایج پژوهش، نشان می‌دهد که دو مفسر، باوجود همسویی در روش تفسیری و مذهب، در رویکرد به قرائن و نحوه کاربست آن‌ها در تفسیر آیه، عملکرد متفاوتی دارند که این امر، تأثیر زیادی در اختلافات تفسیری میان آن‌ها داشته است. صادقی تهرانی با توجه به این که تا حد زیادی به قرآن‌پسندگی در تفسیر گرایش دارد، بیشتر از قرینه متصل سیاق و منفصل آیات استفاده نموده و به خاطر داشتن دید انتقادی به روایات، از این قرینه در تفسیر آیه کم‌تر استفاده کرده، ولی جوادی آملی هرچند از قرائنی مانند سیاق و آیات مرتبط استفاده نموده، با توجه به این که آیه را از آیات الاحکامی می‌داند که روایات معتبر از معصومان (ع) در تبیین آن وجود دارد، بیشتر از قرینه منفصل روایات استفاده کرده است.



واژگان کلیدی: قرائن، اختلافات تفسیری، صادقی تهرانی، جوادی آملی.

* دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات-علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول) | abedinpoor64@gmail.com

** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران | a-tabibi@araku.ac.ir

*** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران | a-hasanbagi@araku.ac.ir

**** استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران | k-ehsani@araku.ac.ir

مقدمه

با نگاهی به تفاسیر فریقین از صدر اسلام تا کنون، اختلاف مفسران در تفسیر بسیاری از آیات آشکارا قابل مشاهده است. در راز این اختلافات، دلایلی مانند، ویژگی‌های متن قرآن، جدایی انداختن میان قرآن و عترت، پیدایش مذاهب مختلف و شخصیت مفسر ذکر شده است. در تفصیل بعضی از این دلایل عمده نیز به مواردی مانند وجود مشترک لفظی و معنوی در قرآن کریم، اختلاف قرائات، اختلاف در وجوه اعراب، احتمال نسخ یا عدم نسخ، احتمال اطلاق و تقیید، احتمال حقیقت و مجاز، وضع حدیث، منابع استنادی مفسر، باورهای کلامی، جهت‌گیری‌های عصری و شیوه‌های پردازش در تفسیر، اشاره شده است. (طاهری، ۱۳۷۷ ش، ج ۲ ص ۹۷؛ شاکر، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۶؛ غروی نایینی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۵)

با تأمل و واکاوی اقوال مفسران، به عوامل مؤثر دیگری در اختلافات تفسیری می‌توان دست یافت، اما به باور برخی از صاحب‌نظران، علت بیشتر اختلاف‌ها و خطاهایی که در تفسیر رخ داده، غفلت از قواعد تفسیر یا اختلاف در مبانی آن‌ها بوده و سهم اختلافات و خطاها در مقایسه با این عامل، به‌ویژه در میان مفسران هم‌مذهب، اندک بوده است. (بابایی، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۸)

لزوم توجه به قرائن معتبر و کاربرست درست آن‌ها در فرایند تفسیر آیات، از مهم‌ترین قواعد تفسیر است و بی‌توجهی به این قاعده یا کاربرد نادرست آن، می‌تواند به نقصان و خطا در فهم معنا و مراد آیات و به تبع آن اختلافات تفسیری میان مفسران بینجامد. آیه قصر نماز: *وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا* (نساء/ ۱۰۱)، از جمله آیاتی است که اختلاف مبانی و رویکرد مفسران در کاربرست قرائن مرتبط با آن، باعث اختلاف در فهم و برداشت از آیه، حتی از جانب مفسران همسو در روش تفسیری و مذهب شده است. در همین زمینه، پژوهش حاضر درصدد است تا اختلاف دو مفسر معاصر شیعی همسو یعنی آیت‌الله صادقی تهرانی و آیت‌الله جوادی آملی در کاربرست قرائن در تفسیر آیه مذکور را به بحث بنشیند. روش کار در این نوشتار، بدین صورت است که ابتدا به قرائن، انواع و اهمیت آن‌ها در تفسیر پرداخته شده، سپس به اختصار به مهم‌ترین اختلافات تفسیری مفسران در آیه قصر نماز اشاره گردیده و در ادامه، رویکردهای تفسیری آن‌ها از رهگذر استناد به قرائن با روش تطبیقی - تحلیلی بررسی و ارزیابی شده است.

پیشینه پژوهش

درباره نقش قرائن در اختلافات تفسیری، می‌توان از مقاله «بررسی نقش قرائن در گوناگونی رهیافت‌های تفسیری با محوریت تفسیر آیت‌الله صادقی تهرانی و عزت دروزه» از خدیجه خدمتکار آرانی، نام برد. این مقاله به بررسی نقش قرائن در اختلافات تفسیری دو مفسر از شیعه و اهل سنت، در سه آیه اعتقادی پرداخته است. نوشتارهایی هم وجود دارد که تا حدی در ارتباط با موضوع این پژوهش است؛ از جمله: کتاب *نقش قرینه شناسی در تفسیر قرآن* از جعفر صادقی، *قواعد تفسیر قرآن* از علی‌اکبر بابایی و مقاله «مفهوم قرینه و نقش آن در فهم معنای یک متن» از مصطفی محقق داماد و محمد عبدالصالح شاه‌نوش فروشانی؛ اما تا جایی که نگارنده بررسی کرده، نوشتار مستقلی درباره موضوع این پژوهش نگاشته نشده است. جدید بودن پژوهش حاضر علاوه بر موضوع آن، از چند جهت است:

نخست، موضوع با محوریت دیدگاه‌های تفسیری دو مفسر شیعی همسو در روش تفسیری و مذهب است که هر دو از شاگردان علامه طباطبایی (ره) هستند. دوم، آیه مورد بحث، از آیات مربوط به حوزه آیات الاحکام است که این امر از این منظر قابل توجه است که هر دو مفسر برخلاف روش بیشتر مفسران که جای بحث و تفصیل درباره آیات الاحکام را در علم فقه دانسته و به اختصار بدان پرداخته‌اند، به مباحث فقهی حول آیات الاحکام به صورت تفصیلی و استدلالی با روش تفسیری قرآن به قرآن پرداخته‌اند. سوم، علاوه بر تحلیل، به ارزیابی دیدگاه‌ها پرداخته شده است.

قرینه و نقش آن در فهم معنا و مراد کلام

قرینه بر وزن فعلیه، به معنای مفعوله و مأخوذ از اقتران است (ابن اثیر، ۱۳۶۷ ش، ج ۴ ص ۵۳)؛ در لغت به معانی مختلفی مانند جمع شدن و ملازمت چیزی با چیزی دیگر، علامت، شبیه، زوجه و نفس انسان (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۷۶-۷۷؛ معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۸۸۲) آمده و در اصطلاح، اموری است که به نحوی با کلام ارتباط لفظی یا معنوی داشته و در فهم مفاد کلام و درک مراد گوینده مؤثر باشد (بابایی و دیگران، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۱۰). برخی آن را ابزاری دانسته که گوینده با اتکا به آن، معنای کاربردی یا مراد جدی کلام خود را به مخاطب منتقل می‌کند. (محقق داماد و شاه‌نوش فروشانی، ۱۳۹۷ ش، ص ۷۴)

از قواعد و پیش‌نیازهای مهم فهم معنا و مقصود کلام (متن)، آگاهی از مفهوم مفردات و ترکیبات و دستور زبانی آن است. دانشمندان این مقدار آگاهی را برای پی بردن به معنا و مقصود متن، کافی نمی‌دانند و دلیل این امر را عادت انسان‌ها در به کارگیری و اتکا به علائم، نشانه‌ها و شواهد در درون یا بیرون از سخنان و نوشته‌های خود می‌دانند که مخاطب را به معنا و مقصود کلام رهنمون می‌سازد. این علائم و شواهد، همان قرائن کلامند و مخاطب ناگزیر از توجه به قرائن سخن گوینده برای نیل به معنا و مراد متکلم است.

اهمیت قرینه در فهم معنا و مراد کلام (متن) تا جایی است که به باور اندیشه‌وران، در صورت نادیده گرفتن آن، مخاطب دچار نقصان یا خطای در فهم ظاهر کلام و مراد گوینده می‌شود (بابایی و دیگران، ۱۳۹۲، ش، ص ۱۱۰). علمای اصول فقه در این زمینه، تعبیر «إِنَّ أَصْلَ الظُّهُورِ لَا تَكُونُ حُجَّةٌ إِلَّا بَعْدَ الْفَحْصِ وَالْيَأْسِ مِنَ الْقَرِينَةِ» را دارند و علت آن را روش شارح در بیان مقاصدش در اتکا به قرائن کلام می‌دانند. (مظفر، ۱۴۳۰، ق، ج ۱ ص ۲۰۸-۲۱۰) در تفسیر قرآن نیز وجود برخی مقوله‌ها مانند مشترک لفظی و معنوی، اجمال و تشابه، مجاز، عام و خاص، کنایه، ایجاز، اضممار و غیره، مفسر را ناگزیر می‌کند برای فهم معانی و مقاصد آیات، به قرائن توجه نماید. قرائن در مواردی مانند تبیین معنای مجمل، تعیین معنا در مشترک لفظی و معنوی، کشف معنای حقیقی از مجازی و تأویلی، شناخت امور حذف‌شده در موارد ایجاز، شناخت مرجع واقعی ضمیر در موارد اضممار و نیز تشخیص معنای مجازی و کنایی موردنظر در آیات، مفسر را یاری می‌رساند.

گاهی قرینه، موجب خروج دلالت لفظ یا عبارت از معنای حقیقی به معنای تأویلی و مجازی می‌شود که از آن به قرینه صارفه (مانعه) تعبیر می‌شود و گاهی قرینه، سبب کشف معنای لفظ مجمل می‌گردد که اصطلاحاً به آن قرینه «کاشفه» یا «مبین» می‌گویند. تعیین یک معنا یا مصداق از میان معانی و مصادیق متعدد نیز با کمک قرینه مشخص می‌گردد که اصطلاحاً قرینه «معینه» نام دارد. گاهی نیز قرینه بر تعمیم معنای مستفاد از متن دلالت می‌کند که از آن به قرینه «معممه» تعبیر می‌شود. (خدمتکار آرانی و دیگران، ۱۳۹۹، ش، ص ۲۶۳)

قرائن تفسیری به اعتبارهای گوناگون تقسیم‌بندی شده، به لحاظ پیوستگی به کلام یا گسسته بودن از آن به قرائن متصل و منفصل و هر یک، به دودسته لفظی (مقالیه) و غیرلفظی

(مقامیه یا حالیه) تقسیم می‌شوند. در این میان بنا بر مشهور، تنها قرینه پیوسته لفظی، سیاق است و اقسام قرائن پیوسته غیرلفظی، عبارتند از: سبب نزول، شأن نزول، مکی و مدنی، ویژگی‌های متکلم و مخاطب، ویژگی‌های موضوع سخن، مقام سخن و لحن کلام. قرائن منفصل لفظی نیز آیات مرتبط روایات و نقل‌های تاریخی هستند و قرائن منفصل غیرلفظی، اموری مانند اجماع‌های معتبر، ضرورت‌های دینی یا مذهبی، معلومات عقل نظری و دستاوردهای مسلم علمی است.

مفسران در تفسیر آیات، از قرائن مختلفی با توجه به مبانی، روش و منابع تفسیری خود استفاده کرده‌اند، ولی دیدگاه یکسانی نسبت به وزن و عیار انواع قرینه نداشته و گاهی به یک یا چند قرینه توجه بیشتری کرده‌اند و آن‌ها را بر برخی قرائن دیگر ترجیح داده‌اند. در مقابل، برخی نیز از قرائن کم‌تر استفاده نموده یا به کلی از آن‌ها چشم‌پوشی کرده‌اند. نکته مهم در این مقوله آن است که مفسر باید ضمن شناسایی همه قرائن معتبر، در کاربست آن‌ها به وزن و میزان تأثیر هر قرینه در تفسیر آیات، دقت لازم را داشته باشد.

نقش قرائن در تفسیر

آیات بسیاری در قرآن کریم وجود دارد که به علل گوناگون، محل تلاقی و اختلاف آراء مفسران است. در ادامه، برای تبیین و ارزیابی نقش قرائن در اختلافات تفسیری به بررسی آیه قصر نماز پرداخته می‌شود.

آیه قصر نماز و وجوه اختلاف مفسران درباره آیه

﴿وَإِذَا صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا﴾ (نساء / ۱۰۱)

این آیه، از آیات نامدار و به آیه قصر شهرت دارد (خراسانی و دشتی، ۱۳۸۸، ص ۶۳) و تنها آیه درباره قصر نماز است. مفسران و فقهای فریقین، از متقدمان تا معاصران درباره تفسیر آیه و به تبع آن احکام فقهی برگرفته از آن با یکدیگر اختلاف نظر داشته و هرکدام سعی نموده‌اند با توجه به قرائن مختار خود به تفسیر آیه بپردازند. اختلاف میان مفسران، در چند موضوع است:

نخست این که آیا موضوع این آیه، بیان حکم قصر نماز مسافر است یا مربوط به نماز خوف و مطارده (نماز در حال جنگیدن) است یا این که هر دو را شامل می‌شود؟ اختلاف دوم در معنای قصر در آیه است که آیا مقصود قصر در کمیت (کاستن رکعات) است یا این که مربوط به کیفیت ادا و هیئت نماز مانند در حال راه رفتن و به ایماواشاره خواندن است، یا قصر به معنای جمع میان دو نماز است؟ اختلاف سوم این که آیا از تعبیر «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ*»، رخصت قصر نماز برداشت می‌شود تا مکلف، مخیر بین قصر و تمام باشد، یا این که حکم عزیمت برداشت می‌شود، یا دلالتی بر هیچ کدام ندارد؟

اختلاف چهارم این که آیا شرط خوف در آیه مفهوم دارد یا قید غالبی یا تأکید است؟ پاسخ به این پرسش‌ها، با توجه به وجود برخی کلمات مجمل در آیه و همچنین نوع چینش کلمات و ساختار ادبی آیه، ضرورت توجه به قرائن را ضروری می‌نماید. در ادامه، به بررسی تطبیقی تفسیر آیه از رهگذر استناد به قرائن، در رویکردهای تفسیری صادقی تهرانی و جوادی آملی به آیه، پرداخته خواهد شد.

رویکردهای تفسیری صادقی تهرانی به آیه

صادقی تهرانی دو تفسیر متفاوت از آیه عرضه کرده است. او ابتدا در تفسیر الفرقان معتقد بود که تنزیل آیه، بر نماز خوف در سفر دلالت دارد و تأویل آیه که از جانب پیامبر (ص) بیان شده، بر حکم نماز مسافر دلالت دارد. وی «مشقت نوعیه» در سفر را مناط (علت) حکم قصر نماز دانسته و مقدار مسافت شرعی را یک روز سفر کردن با وسیله غالب هر زمان با حداکثر سرعت دانسته (صادقی تهرانی، بی تا، ج ۷، ص ۲۸۸ - ۳۰۶). ایشان در کتب دیگر خود مانند ترجمان فرقان، نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران و نیز رساله توضیح المسائل نوین که همگی بعد از تفسیر الفرقان نگاشته شده، برداشت و تفسیر نهایی خود را از آیه عرضه نموده که با نظر اول خود در تفسیر الفرقان متفاوت است. تفسیر جدید (نهایی) ایشان مبنای بحث در این نوشتار خواهد بود. تفسیر نهایی ایشان از آیه، مساوی با انکار کامل قصر نماز در سفر بدون خوف، خطر و ضرر و فتوا به تمام بودن نماز، هم در کمیت و هم کیفیت است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۵۰). به اعتقاد وی، قرآن کریم نه در آیه قصر نماز و نه در هیچ

آیه‌ای دیگر، اشاره‌ای به نماز مسافر نکرده است. او استناد به فعل پیامبر یا روایات دال بر قصر نماز مسافر، اجماع و همچنین شهرت فتوایی آن از جانب مفسران و فقها را همگی خلاف نص قرآن و فاقد حجیت دانسته است (همان، ص ۱۵۰ - ۱۵۳). وی در این قول خود در میان مفسران و فقها، منفرد مطلق است. همچنین در تفسیر نهایی خود از آیه، بر این باور است که آیه مربوط به جهاد مسلمانان با کفار و در صدد بیان حکم نماز خوف است. وی همچنین قصر در آیه را مربوط به کیفیت نماز دانسته، یادآور می‌شود، نماز هم از نظر کیفیتش - در غیر حالت غرق و احتضار - تنها در صورتی کاستی می‌یابد که تکمیلش خطری را برای نوامیس پنج‌گانه دین، جان، عقل، عرض و مال داشته باشد که پرهیز از آن خطر، واجب‌تر از حفظ کیفیت کامل نماز است. وی همچنین قید خوف در آیه را برخلاف نظر بسیاری از مفسران که آن را قیدی غالبی یا تأکیدی دانسته‌اند که فاقد مفهوم است، قیدی دارای مفهوم دانسته؛ یعنی با نبود شرط، حکم آن‌هم برداشته می‌شود (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۳۴ - ۴۳۷). وی برای تفسیر نهایی خود از آیه، به موارد مختلفی از قرائن استناد کرده که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. قرائن مستفاد صادقی تهرانی در تفسیر آیه

صادقی تهرانی در تفسیر خود از آیه، با توجه به مبانی و روش خود در تفسیر، از قرائن مختلفی استفاده کرده است؛ از جمله:

۱-۱- قرینه سیاق

قرینه سیاق، بیشترین قرینه‌ای است که صادقی تهرانی در تفسیر خود از آیه بدان استناد کرده است.

۱-۲- سیاق کلمات و جملات

مورد اول: ایشان برای اثبات نظر خود مبنی بر این که آیه مربوط به قیام برای جهاد از جانب مسلمانان با کفار است و آیه از این جهت، در صدد بیان حکم نماز خوف و نه نماز قصر مسافر است، اعتقاد دارد که سیاق کلمات به کاررفته در عبارت "ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ" قرینه است بر این که آیه مربوط به سفر عادی نبوده، بلکه برای جهاد با کفار بوده است. به باور وی، تعبیر

"ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ" در این آیه و به‌طور کلی در تمامی مواردی که در قرآن آمده، به معنای قیام برای جهاد و یا کارهای پرمشقت است. به باور وی، اصولاً زدن در زمین از نظر لغت، غیر از راه رفتن عادی در زمین است و برای جهاد و کار پرمشقت، تعبیر به «ضربتُم» و برای راه رفتن معمولی از لفظ «مَشَيْتُمْ» یا «سَافَرْتُمْ» استفاده می‌شود. با این بیان، ایشان معتقدند، عبارت "ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ" شامل تمام جنگ‌ها می‌شود؛ خواه در وطن (محل زندگی مسلمانان) باشد و یا این که نیاز به سفر شرعی یا کم‌تر از آن باشد. همچنین ایشان معتقد است، در قرآن برای صِرْفِ سفر، لفظ «سفر» آمده و برای جنگ و کارهای پرمشقت "ضرب فی الارض" آمده است؛ بنابراین، آیه هرگز ربطی به نماز مسافر ندارد. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۴)

مورد دوم: ایشان در نقد مفسرانی که با توجه به سیاق عبارات «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» و «أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» حکم قصر را از میان انواع سفر، فقط مخصوص سفر با طی مسافت شرعی دانسته و همچنین قصر را قصر کیفی می‌دانند، متذکر می‌شود، به فرض هم که «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» به معنای سفر باشد، با توجه به سیاق آن که مطلق است، باید حکم قصر نماز، کل سفرها را در برگیرد و همچنین با توجه به سیاق کلمه «الصَّلَاةِ» که لفظی عام است، باید هر پنج نماز یومیه را در برگیرد و دلیلی ندارد که قصر در رکعات را فقط خاص سه نماز (ظهر، عصر و عشا) از پنج نماز بدانیم. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۶)

۱-۳- قرینه سیاق جملات با توجه به قرینه آیات مرتبط

به باور صادقی تهرانی، لفظ قصر در آیه، اگرچه هر دو بعد کمی و کیفی را شامل است، در اینجا تنها قصر کیفی مراد است. ایشان این نظر را با توجه به قرینه سیاق جمله در عبارت «ان خفتم» و همچنین با توجه به قرینه منفصل لفظی آیه، یعنی آیه ۲۳۹ سوره بقره، بیان می‌دارد. درواقع ایشان حکم خوف را در آیه، شیهه همان حکم خوف در آیه ۲۳۹ بقره می‌دانند که می‌فرماید: *فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ...*. ایشان با این بیان معتقد است، خوف هرگز سبب کاستن از تعداد رکعات نماز نیست، بلکه فقط موجب کاستی از کیفیت نماز است؛ بدین صورت که فرد با پیاده‌روی، دویدن، سوار شدن بر مرکب و یا هر نوع تدبیر امنیتی دیگر، از مکان خوفناک دور می‌شود و

در حین فرار، نماز را به جا می‌آورد و در این حالت، کیفیت رکوع و سجود به «اشاره» تغییر می‌یابد و فقط به «ذکر الله» اکتفا می‌شود. همچنین اعتقاد دارد، قید خوف در هر دو آیه دارای مفهوم است؛ یعنی با زایل شدن شرط خوف، نماز باید به صورت تمام و با تمام شرایط آن ادا شود. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۷)

۴-۱- قرینه حالات و مشخصات مخاطب

صادقی تهرانی آوردن تعبیر «نفی جناح» در عبارت "فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ" را برای رفع توهّم خطر می‌داند. ایشان این برداشت خود را با توجه به قرینه حالات و مشخصات مخاطبان آیه عرضه نموده است. این مخاطبان، مسلمانانی هستند که گمان می‌کنند باید در هر حالتی، خواه عادی و خواه اضطراری، مانند ترس از جان به واسطه وجود دشمن، نماز خود را تمام و با انجام دادن تمام شرایط آن به جای آورند و گرنه مرتکب گناه شده‌اند. وی با این توضیح معتقد است، تعبیر نفی جناح، منافاتی با وجوب کوتاه نمودن نماز در زمینه خوف ندارد. (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۴۳۵)

۵-۱- قرینه روایات

صادقی تهرانی از قرینه روایات، در تفسیر آیه بهره برده و معتقد است که روایات تنها باید بر محور دلیل اول اسلام (قرآن) بررسی و پذیرفته شوند. بر این مبنا، ایشان روایاتی را که تنها خوف را موجب تغییر کیفیت نماز دانسته، قبول می‌کند و دلیل آن را موافقت با قرآن می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۳)؛ اما قرینه روایات دال بر قصر نماز در سفر بدون خوف را رد می‌کند و معتقد است اگر این روایات متواتر هم باشند، ثابت‌کننده سنت پیامبر (ص) نیست و این نظر خویش را به دلیل مخالفت این روایات با نص یا ظاهر مستقر قرآن می‌داند و معتقد است آیه ۱۰۱ سوره نساء به صورت صریح بر نماز خوف، خواه در حضر یا در سفر دلالت دارد و بر این باور است که این آیه اجمال ندارد تا نیاز به تبیین از جانب روایات داشته باشد. وجود تعارض در روایات، دلیل دیگری است که وی در ردّ روایات دال بر قصر نماز در سفر بدون خوف بدان استناد می‌کند و معتقد است، این امر باعث تساقط روایات می‌شود. ایشان همچنین بر این باور است که اگر روایات قصر نماز، مختص سفر بدون خطر باشد و هیچ گونه توجیهی هم برای ردّ آن‌ها نباشد، چون برخلاف ضرورت قرآنی است، پذیرفتنی

نیستند (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ش، ص ۲۴). ایشان همچنین ضرورت دینی، شهرت فتوایی و اجماع را که - درباره قصر نماز مسافر در سفر بدون خوف - برگرفته از سنت و روایات معصومان است و از قرائن مثبتة موافقان قصر نماز در سفر غیر خوفی است، به دلیل مخالفت با قرآن، جعلی و مردود می‌داند. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ش، ص ۲۴)

۱-۶- قرینه عقلی

صادقی تهرانی با توجه به قرینه عقلی تقدم اهم بر مهم، به ردّ دلالت آیه بر قصر نماز در سفرهای بدون خوف، باور دارد و می‌پرسد: «چگونه در مسافرت‌های بدون خوف، نماز بدون هیچ مانعی مهم‌تر و یا مهم، شکسته می‌شود؟ با این که سفر هراندازه هم دورودراز باشد، حالت معارضه‌ای با هیچ واجبی از جمله نماز ندارد تا باعث قصر آن شود؟» ایشان برای تأیید دیدگاه خود اشاره می‌کند که اگر انسان در شریعت قرآن، تمامی ابواب فقه واجبات و محرمات را جست‌وجو کند، هرگز تقدم مهم بر اهم یا واجب بر اوجب یا حرام بر حرام‌تر و یا تساوی میان هر یک از آن‌ها را مشاهده نمی‌کند تا چه رسد که عملی غیر واجب چون مسافرت بر بزرگ‌ترین و ممتازترین واجبات الهی که نماز است تقدم یابد. (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ش، ص ۱۰)

۲. رویکردهای تفسیری جواد آملی از منظر استناد به قرائن

در ابتدا باید به اختصار اشاره کرد که آیت‌الله جواد آملی، آیه ۱۰۱ سوره نساء معروف به آیه قصر را در مقام تشریع نماز قصر در سفر می‌داند. ایشان قصر در آیه را بنا بر شواهد و قرائن مستفاد خود، به معنای قصر کمی (کاستن از رکعات) می‌دانند و دو نوع قصر دیگر را که برخی مفسران بدان معتقدند، یعنی قصر در کیفیت و هیئت نماز و قصر به معنای جمع میان دو نماز را در آیه منتفی می‌دانند. ایشان قید خوف در آیه را قید غالبی و یا قید تأکیدی می‌دانند که مفهوم ندارد و دلیل ذکر آن در آیه را به سبب غلبه وجودی آن و نه دخالت در اصل حکم می‌دانند؛ زیرا مسافرت‌های آن زمان معمولاً همراه با خوف بوده است. همچنین ایشان حکم قصر نماز مسافر را با توجه به قرائن، عزیمت (واجب) و نه رخصت (جائز) می‌دانند. ایشان همچنین با استناد به قرائن، قصر را تنها مربوط به نمازهای چهار رکعتی و مراد

از فتنه را در آیه با توجه به قرائن، آزار کافران نسبت به مسلمانان می‌دانند. در ذیل به تحلیل قرائن مستفاد ایشان در تفسیر آیه پرداخته می‌شود.

۲-۲- قرائن مستفاد جوادی آملی در تفسیر آیه

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر خود از آیه، به قرائنی اشاره می‌کند؛ از جمله:

۲-۲-۱- قرینه سیاق

ایشان کلمه فتنه را در قرآن دارای معانی مختلف می‌داند، ولی معتقد است این کلمه در آیه مورد بحث به قرینه سیاق آیه بعد که درباره خوف و نماز در حال جنگ است و همچنین به قرینه وحدت سیاق آیات قبل تر که درباره جهاد و هجرت است، به معنای آزار کافران نسبت به مسلمانان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰ ص ۲۶۶). همچنین درباره عبارت "إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا" بر این باور است که این شرط در آیه برای کوتاه خواندن نماز، مفهوم ندارد و با استناد به قرینه سیاق آیات که درباره هجرت و جهاد است و نیز قرینه داخلی آیه، مربوط به مسافرت‌های آن زمان می‌داند که بیشتر با ترس و خطر همراه بوده؛ بنابراین قید با این دو قرینه غالبی است نه دخیل در قصر نماز تا گفته شود نماز مسافر بدون خوف تمام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۴)

۲-۲-۲- قرینه منفصل آیات مرتبط

جوادی آملی برای اثبات مدعای خود مبنی بر غالبی بودن قید خوف از قرینه منفصل آیات، شاهد می‌آورد و معتقد است در این آیات نیز قید غالبی به کار رفته و شرط در این آیات نیز برای بیان نکته‌ای آمده است نه برای حصر محمول در موضوع؛ بنابراین شرط در این آیات که مشابه شرط خوف در آیه مورد بحث است، غالبی است و مفهوم ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۳). ایشان برای اثبات مدعای خود مبنی بر وجود قیدهایی غالبی در قرآن کریم به آیات ذیل استناد کرده است:

۱. *وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا...*(۳۳/نور). به باور ایشان، واداشتن کنیزان به ناپاکی، مطلقاً حرام است و خواستن یا نخواستن آنها، تأثیری در آن ندارد؛ بنابراین شرط "إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا" مفهوم ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۳)

۲. *الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ...*(بقره/ ۲۲۹). به گفته ایشان، شرط ترس از برپا نداشتن حدود الهی در این آیه، قید طلاق خلع و بخشیدن مهریه نیست، بلکه شرط غالبی آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ش، ج ۲۰، ص ۲۷۳)

۲-۲-۳- قرینه نقل و اخبار تاریخی

جوادی آملی با توجه به قرینه نقل و اخبار تاریخی معتقد است، چون مسافرت‌های آن زمان بیشتر با خطر و ترس همراه بود، ذکر قید خوف در عبارت "إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا"، به خاطر غلبه وجودی آن است نه این که در حکم قصر نماز دخیل باشد؛ بنابراین محور اصلی آیه بیان حکم نماز مسافر است نه بیان حکم نماز خوف و سفر شرعی تمام موضوع برای حکم قصر است و در سفر- خواه در حال خوف باشد یا امن، فتنه‌ای باشد یا نباشد- نماز قصر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ش، ج ۲۰، ص ۲۷۴)

۲-۲-۴- قرینه آیات مرتبط با توجه به روایات و ضرورت دینی

جوادی آملی معتقد است، تعبیر «نفی جناح» در آیه با صرف نظر از قرائن، سه مصداق دارد: واجب، مستحب و مباح؛ ولی آیه از وجوب قصر ساکت است. ایشان با قرینه قرار دادن دو آیه مرتبط *إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا*(بقره/ ۱۵۸) و *وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ...*(بقره/ ۱۸۴)، مقصود از نفی جناح را در آیه، عزیمت (وجوب) می‌داند؛ با این توضیح که معنای ظاهری دو تعبیر "لَا جُنَاحَ" و "خَيْرٌ لَكُمْ" رخصت و رجحان است؛ اما بر اساس روایات و ضرورت دینی، کسی که بدون عذر، سعی میان صفا و مروه را انجام ندهد و یا روزه نگیرد، حجتش باطل و در مساله روزه مرتکب حرام شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ش، ج ۲۰، ص ۲۷۰)

۲-۲-۵- قرینه منفصل روایات

جوادی آملی از قرینه منفصل روایات برای برداشت‌های تفسیری خود مبنی بر عزیمت دانستن حکم قصر نماز در سفر و همچنین دلالت قصر بر قصر کمی در آیه استفاده نموده است. ایشان روایت ذیل را که از امام صادق (ع) نقل شده، قرینه آورده است:

«وَالصَّلَاةُ كُلُّهَا فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ رَكْعَتَانِ كُلُّ صَلَاةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ؛ تَرَكَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ؛ وَقَدْ سَافَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى ذِي خَشَبٍ - وَهِيَ مَسِيرَةٌ يَوْمٌ مِنَ الْمَدِينَةِ يَكُونُ إِلَيْهَا بَرِيدَانِ أَرْبَعَةٌ وَعَشْرُونَ مِيلًا - فَقَصَرَ وَأَفْطَرَ؛ فَصَارَتْ سُنَّةٌ وَقَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَاسْطًا قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ، الْعَصَاةُ. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۶)

به اعتقاد جوادی آملی، سفر شرعی تمام موضوع برای حکم قصر است و در سفر - خواه در حال خوف باشد، خواه در حال امن، فتنه‌ای باشد یا نباشد - نماز قصر می‌شود و قید خوف در آیه مفهوم ندارد بلکه غالبی یا تأکیدی است. ایشان به این روایت عمر از پیامبر اسلام (ص) به عنوان قرینه استناد کرده که در تفسیر روایی در المثنور سیوطی نقل شده است: «عن يعلى بن أمية قال: سألت عمر بن الخطاب؛ قلت: *لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا* وقد أمن الناس؛ فقال لي عمر: عجبت مما عجبت منه! فسألت رسول الله (ص) عن ذلك، فقال: صدقة تصدقه الله بها عليكم؛ فاقبلوا صدقته». (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲۰، ص ۲۷۸)

ارزیابی قرائن مستفاد دو مفسر در تفسیر آیه

صادقی تهرانی با توجه به قرینه سیاق در عبارت «ضرب فی الارض»، بر این باور است که موضوع آیه درباره قیام و جهاد مسلمانان علیه کفار است و دلالتی بر سفر عادی ندارد و در قرآن از رفتن برای جهاد و کار پرمشقت، تعبیر به «ضربتم» و برای راه رفتن و مسافرت معمولی، از لفظ «مَشِيتُمْ» یا «سَافَرْتُمْ» استفاده شده است. در نقد این دیدگاه باید اشاره کرد که:

۱. هم از نگاه لغویان (ازهری، ۱۴۲۱ ق، ج ۱۲، ص ۱۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۵۴۴) و هم از نظر بسیاری از مفسران (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳، ص ۱۵۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۵، ص ۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۴، ص ۹۴)، به معنای سفر است و به معنای قیام و رفتن برای جهاد نیست.

۲. در چندین آیه از قرآن کریم نیز تعبیر "ضرب فی الارض" به کاررفته که در هیچ کدام به معنای قیام برای جهاد نیست، بلکه تنها برای سفر غیرجنگی به کاررفته است؛ از جمله:

۱-۲- عبارت "ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ" در معنای مسافرت معمولی و نه مسافرت برای جنگ به کار رفته؛ چنان که می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ...*. (مائده/ ۱۰۶)

۲-۲- در جای دیگر، عبارت «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ» به کار رفته و از قرینه «يَتَنَقَّوْنَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»، می‌توان فهمید تعبیر «يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ» به معنای مسافرت برای تجارت و کسب روزی و نه به قصد جهاد است: *عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضًى وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَقَّوْنَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...*. (مزل/ ۲۰)

۲-۳- در آیه‌ای دیگر، از قرینه تقابل در عبارت "إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ" با عبارت "أَوْ كَانُوا غُرًى" می‌توان فهمید تعبیر «ضرب فی الارض» به معنای سفر معمولی است نه سفر برای جهاد: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخوانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا...*. (آل عمران/ ۱۵۶)

۳. با فرض این که قید خوف را در حکم قصر نماز دخیل بدانیم، چنان که صادقی تهرانی بر این باور است، آیه هم بر نماز قصر مسافر دلالت دارد و هم بر نماز خوف. در توضیح این مطلب باید گفت: با توجه به قرینه سیاق جملات در آیه که ابتدا شرط "إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ" و بعد جواب شرط یعنی "فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ" آمده و سپس شرط دیگر یعنی "إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا" بدون جزای آن آمده، در چنین مواقعی جزا برای شرط نخست است و جزای شرط دوم به قرینه جزای شرط نخست محذوف است؛ بنابراین با این نوع ترتیب در جملات، آیه بر دو شرط و دو جزا دلالت می‌کند و اگر دو شرط در آیه جدای از یکدیگر بیان شده‌اند و در بین آن‌ها جواب شرط آمده که برابر نظم منطقی باید ابتدا جمله‌های شرطی بیان گردد و سپس جزای شرط آورده شود؛ یعنی بدین گونه: *وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ وَخِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ*، تنها حکم نماز خوف در سفر را بیان می‌کرد، در حالی که آیه درصدد بیان حکم هر دو نماز است؛ بنابراین، این نکته‌ها نشانه آن است که سخن کسانی که آیه را تنها بیان‌گر حکم نماز خوف دانسته، سخن تحقیقی نیست و به دقایق آیه توجه نکرده‌اند. (عابدینی، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۵ - ۹۰)

صادقی تهرانی معتقد است، به فرض این که عبارت «ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» به معنای سفر

عادی باشد، با توجه به سیاق آن که مطلق است باید حکم قصر نماز، کل سفرها را در بر گیرد و همچنین با توجه به سیاق کلمه «الصلوة» که لفظی عام است، باید هر پنج نماز یومیه را در بر گیرد و دلیلی ندارد که قصر در رکعات را فقط خاص سه نماز (ظهر، عصر و عشا) از پنج نماز دانست.

در ارزیابی و نقد این برداشت تفسیری وی می‌توان گفت:

۱. در روایات معتبر از معصومان (ع)، قصر در آیه به معنای کاستن از رکعات دانسته شده؛ برای نمونه در حدیثی، زراره و محمد بن مسلم از امام صادق (ع) نقل می‌کنند: «از آن حضرت پرسیدیم: کسی که در سفر نمازش را چهار رکعتی خوانده آیا باید نمازش را اعاده کند یا نه؟» فرمودند: «اگر آیه تقصیر بر او خوانده شده و برایش تفسیر گردیده، باین حال، چهار رکعت گزارده، باید اعاده نماید و اگر بر او خوانده نشده و آن را نمی‌داند، بر او اعاده لازم نیست و نمازها همه در سفر همان [مقدار] فریضه‌اند؛ هر نماز دو رکعت، مگر نماز مغرب که سه رکعت است که در آن تقصیر نیست. رسول خدا (ص) آن را در سفر و حضر سه رکعتی گزارده است». (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۴۳۵)

۲. نظر ایشان تنها با در نظر گرفتن سیاق کلمه «الصلوة» است که به صورت عام در "تقصروا من الصلوة" آمده و با صرف نظر از قرائن تفسیری مرتبط با آیه مانند سنت پیامبر (ص) و روایات معصومان (ع) بیان شده است؛ در صورتی که مفسر باید همه قرائن مرتبط با آیه را در نظر گیرد تا به فهمی کامل و درست از آن دست یابد؛ بنابراین نظر مفسرانی که قصر در آیه را فقط به نمازهای چهار رکعتی اختصاص داده‌اند، با توجه به قرینه سنت پیامبر (ص) و روایات معصومان (ع) است و تا نص معتبر از جانب معصوم، در تفصیل و تبیین جزئیات احکام وجود دارد، نوبت به اجتهاد مفسر و فقیه نمی‌رسد. به تعبیر دیگر، چنان که فقها بیان نموده‌اند، در مسائل توقیفی و تعبدیات محض که بیان معتبری از جانب معصوم وجود دارد، جای اجتهاد نیست.

به باور صادقی تهرانی، لفظ قصر در آیه، اگرچه هر دو بعد کمی و کیفی را شامل می‌شود، در آیه تنها قصر کیفی مراد است. ایشان این نظر را با توجه به قرینه سیاق جمله در

عبارت «ان خفتم» و همچنین با توجه به قرینه منفصل لفظی آیه یعنی آیه ۲۳۹ سوره بقره، بیان می‌دارد.

در ارزیابی استناد صادقی تهرانی به آیه ۲۳۹ بقره باید گفت: استفاده ایشان از این آیه به عنوان قرینه منفصل آیه نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا شرط خوف در آیه با توجه به جزای شرط، یعنی "فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ"، دارای مفهوم است؛ یعنی با نبود خوف، حکم ادای نماز از تغییر در کیفیت و هیئت نماز (سواره یا در حال راه رفتن) در مواقع اضطراری، به حکم ادای نماز در حالت عادی و معمول با انجام دادن تمام شرایط آن تبدیل می‌شود؛ ولی قید خوف در آیه مورد بحث به قرینه اوضاع و احوال تاریخی مسلمانان در صدر اسلام که سفرهای آن‌ها غالباً همراه با خوف بوده، قید غالبی است و مطابق نظر علما، قید غالبی دارای مفهوم نیست تا گفته شود در سفر بدون خوف، نماز قصر نمی‌شود و باید به صورت تمام، ادا شود.

صادقی تهرانی از قرینه روایات، در تفسیر آیه بهره برده و معتقد است که روایات تنها باید بر محور دلیل اول اسلام (قرآن) بررسی و پذیرفته شوند. بر این مبنا، ایشان روایاتی را قبول می‌کند که تنها خوف را موجب تغییر کیفیت نماز دانسته و دلیل آن را موافقت با قرآن می‌داند (صادقی تهرانی، ۱۳۹۳، ش، ص ۲۳)؛ اما ایشان قرینه روایات دال بر قصر نماز در سفر بدون خوف را رد می‌کند و معتقد است اگر این روایات متواتر هم باشند، ثابت کننده سنت پیامبر (ص) نیست و این نظر خویش را به دلیل مخالفت این روایات با نص یا ظاهر مستقر قرآن می‌داند.

در ارزیابی این دیدگاه صادقی تهرانی می‌توان گفت:

۱. آیه مورد بحث نه تنها نص در معنایی که وی از آن برداشت نموده، نیست - که اگر این گونه بود، این همه اختلاف میان مفسران در برداشت از آن وجود نداشت - بلکه در آیه به علت وجود کلمات دارای چند معنا، اجمال وجود دارد و این امر نیاز به «قرائن معینه» مانند آیات مرتبط یا بیان معصومان (ع) در تبیین آن وجود دارد.

۲. اختلاف در روایات باب نماز مسافر، بدوی است و می‌توان از طرق مختلف به جمع مفاد آن‌ها پرداخت؛ بنابراین این مبنای درستی نیست که با دیدن هر نوع اختلاف ظاهری میان

روایات - اگرچه به خاطر نقل به معنا از جانب راویان باشد، یا از نوع عام و خاص و یا مطلق و مقید - فوراً به تساقط همه روایات یک موضوع رأی داد. روایات موضوع قصر نماز در سفر، مفسر و مبین آیه مورد بحث هستند و در تعارض و تباین با آن نیستند تا به رد همه آنها فتوا داده شود.

صادقی تهرانی با استناد به قرینه عقلی تقدم اهم بر مهم، به رد دلالت آیه بر قصر نماز در سفرهای بدون خوف باور دارد و می‌پرسد: «چگونه مسافرت بدون خوف (مهم) که امری غیر واجب به شمار می‌رود، بر نماز که امری واجب (اهم) است تقدم یابد و باعث قصر نماز شود؟» در ارزیابی این دیدگاه باید گفت: در توقیفیات و احکام تبعیدی محض، جای اجتهاد و استدلال عقلی نیست؛ بنابراین از قرینه عقلی تقدم اهم بر مهم در اینجا نیز نمی‌توان استفاده کرد؛ زیرا پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) حکم وجوب قصر نماز مسافر در حال امنیت را بیان فرموده‌اند.

جوادی آملی در تبیین معنا و مراد آیه، از قرائنی مانند قرینه سیاق، وحدت سیاق آیات، آیات مرتبط، سنت، روایات و حالات و مشخصات مخاطبان استفاده کرده است. به باور ایشان فتنه در آیه، به معنای آزار کفار نسبت به مسلمانان است. در ارزیابی این نظر جوادی آملی باید گفت: با توجه به وحدت سیاق آیات که درباره جهاد و قتال مسلمانان با کفار است، معنای فتنه کافران نسبت به مسلمانان، علاوه بر آزار، کشتن و قتل مسلمانان هم می‌تواند باشد، مگر این که مفهوم آزار در نزد ایشان، چنان عام باشد که قتل و کشتار را هم در برگیرد. برداشت تفسیری جوادی آملی مبنی بر عزیمت (واجب) دانستن حکم قصر در نماز مسافر، با توجه به این که خود آیه از بیان وجوب قصر ساکت است، با توجه به قرینه فعل پیامبر (ص) و روایات معصومان (ع) بیان شده است. در ارزیابی استفاده ایشان از قرینه روایات در تفسیر و تفصیل و بیان جزئیات آیه می‌توان گفت: به دلیل آن که آیه موضوع بحث، از آیات الاحکامی است که تبیین معنا و مراد آن به دلیل نوع تعابیر و چینش کلمات در آیه، همچنین اجمال برخی کلمات و تعابیر به کاررفته در آن بدون در نظر گرفتن قرینه روایات امکان‌پذیر نیست، ایشان به درستی از قرینه روایات استفاده نموده است.

روایات فراوان و معتبری هم در تفسیر و هم در تفصیل و بیان حدود و جزئیات احکام آیه موضوع بحث، در کتب حدیثی معتبر نقل شده و جوادی آملی از آن‌ها به عنوان قرینه منفصل، به صورتی مناسب در تبیین آیه استفاده کرده است؛ زیرا به باور ایشان، معصومان (ع) عهده‌دار تبیین جزئیات و تفصیل کلیات شریعت و همچنین تبیین حدود و جزئیات معارف و احکام کلی قرآن هستند و سخنان آنان، عمومات قرآنی را تخصیص و مطلقات آن را تنقید می‌کند؛ بنابراین استناد به قرآن برای عمل به «فروع عملی» بدون رجوع به روایات بی‌ارزش است و در حقیقت، سخن «مجموع ثقلین»، سخن اسلام به شمار می‌آید. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۱۶۰)

این که جوادی آملی قصر در آیه را به معنای قصر کمی می‌داند، با توجه به قرینه سنت پیامبر (ص) و روایات درباره آیه بیان شده و خود آیه از بیان نوع قصر ساکت است و در چنین مواردی که در کلمات و یا تعبیر آیات اجمال وجود دارد و بیانی در خود آیه یا آیات دیگر وجود ندارد، مفسر ناگزیر است در صورت وجود روایات معتبر در تبیین کلمات و یا تعبیر مجمل، به آن‌ها رجوع کند. ایشان مانند بیشتر مفسران و فقیهان شیعه، قید خوف را با توجه به قرینه اوضاع و احوال مسلمانان که سفرهایشان همراه با خوف و خطر بوده است، قیدی غالبی یا تأکیدی دانسته و به این دلیل، معتقد است شرط خوف در حکم قصر نماز مدخلیتی ندارد و حکم نماز در سفر شرعی خواه همراه با خوف باشد یا نباشد، قصر است.

وجوه اشتراک و افتراق

هر دو مفسر در لزوم توجه به قرائن در تفسیر آیه وحدت نظر دارند و بر این مبنا، در تفسیر آیه بر اساس رویکرد خود، از قرائن مرتبط استفاده کرده‌اند. هر دو مفسر همچنین در قرینه دانستن سیاق کلمات، جملات و آیات، در تفسیر آیه باهم مشترکند ولی در نحوه و جای به کارگیری آن در تفسیر آیه مختلف عمل کرده و به تبع آن به برداشت‌های متفاوتی از آیه رسیده‌اند.

صادقی تهرانی بر مبنای سیاق جمله «اذا ضربتم فی الارض»، آیه را مربوط به نماز خوف به هنگام قیام مسلمانان برای جهاد با کفار دانسته و ارتباط آن را با نماز مسافر ردّ نموده است؛ ولی جوادی آملی از قرینه وحدت سیاق آیات قبل‌تر، تعبیر «ضرب فی الارض» را مرتبط با موضوع نماز مسافر دانسته و ارتباط آن را با نماز خوف ردّ کرده است. صادقی تهرانی قرینه

سیاق در عبارت «ان خفتم» را دلیل بر مفهوم داشتن این شرط می‌داند و معتقد است، نماز در حال امنیت و نداشتن ترس، حکمش از حالت قصر در کیفیت، به حکم ادای نماز در حالت معمولی با انجام دادن تمام شرایط آن بازمی‌گردد، ولی جوادی آملی قید خوف را با توجه به قرینه نقل و اخبار تاریخی، قید غالبی یا تأکید می‌داند و آن را در حکم قصر نماز دخیل نمی‌داند.

هر دو مفسر از قرینه روایات استفاده نموده، ولی صادقی تهرانی تنها روایاتی را در تفسیر آیه معتبر می‌داند که دلالت بر قصر به معنای قصر در کیفیت در حالات خوفی و اضطراری داشته باشند و دلیل خود را موافقت این روایات با قرآن می‌داند؛ اما ایشان روایات باب قصر نماز مسافر را که بر قصر به معنای کاستن از رکعات در نمازهای چهار رکعتی در سفر بدون خوف دلالت دارد، حتی در صورت تواتر به دلیل مخالفت با نص قرآن، نمی‌پذیرد و معتقد است، علاوه بر مخالفت با قرآن، با همدیگر هم متعارضند و به همین دلیل قائل به تساقط آن‌هاست. جوادی آملی نیز از روایات به‌عنوان قرینه استفاده کرده، اما از روایات، عزیمت بودن حکم قصر نماز مسافر و قصر به معنای کاستن از تعداد رکعات نمازهای چهار رکعتی، چه در حالات خوفی و چه غیر خوفی را برداشت کرده است.

هر دو مفسر از قرینه آیات مرتبط استفاده نموده، اما هر کدام به آیه یا آیات مختلفی به‌عنوان قرینه استناد کرده‌اند. صادقی تهرانی برای تأیید نظر خود مبنی بر کیفی دانستن قصر در آیه، از آیه ۲۳۹ بقره: ﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا...﴾ به‌عنوان قرینه استفاده کرده و معتقد است، هر دو قید خوف در هر دو آیه، حکم واحدی دارند و مکلف باید در چنین حالتی از نمازش به‌صورت کیفی و نه کمی بکاهد. ایشان همچنین قید خوف را در دو آیه، قیدی می‌داند که دارای مفهوم است؛ یعنی با زایل شدن خوف، حکم قصر در کیفیت برداشته می‌شود و مکلف باید نماز خود را کامل و با تمام شرایط آن به جا آورد. جوادی آملی از آیات ۱۵۸ و ۱۸۴ سوره بقره برای عزیمت دانستن حکم قصر و نه رخصت قصر در آیه استفاده نموده، همچنین از آیات ۳۳ سوره نور و ۲۲۹ بقره، برای غالبی دانستن قید خوف در آیه استفاده کرده است.

صادقی تهرانی از قاعده عقلی لزوم ترجیح اهم بر مهم، برای انکار ارتباط آیه با موضوع

قصر نماز مسافر استفاده نموده، ولی جوادى آملی در این آیه که از جمله آیات الاحکامی است که نص معتبر تبیین کننده مراد آیه، از جانب معصومان (ع) درباره آن وجود دارد، معتقد است، جایی برای اجتهاد از طریق استناد به قاعده عقلی نیست.

نتیجه

- آیه قصر نماز، از آیات محل تلاقی و اختلاف آراء مفسران است. نوع تعابیر و چینش خاص کلمات و همچنین اجمال برخی کلمات به کاررفته در آیه، از جمله عوامل اختلاف تفسیری میان مفسران است. مفسر برای دستیابی به معنا و مراد درست آیه، ناگزیر از توجه به قرائن معتبر و کاربست درست آن‌ها در تفسیر آیه است.

- اختلاف در مبانی و رویکرد دو مفسر همسوی شیعه، صادقی تهرانی و جوادى آملی، در کاربست قرائن مرتبط با آیه قصر نماز، به اختلافات تفسیری میان دو مفسر انجامیده است. هردو در لزوم توجه به قرائن در تفسیر آیه قصر نماز وحدت نظر دارند، اما در شناسایی قرائن مرتبط، عیار و وزنی که برای هر قرینه در تفسیر آیه قائلند و نحوه کاربرد قرائن در تفسیر آیه، عملکرد متفاوتی دارند و این امر تا حد زیادی در بروز اختلافات تفسیری میان دو مفسر مؤثر بوده است.

- صادقی تهرانی به دلیل گرایش به قرآن‌بستگی در تفسیر و داشتن دیدی تا حد زیاد انتقادی نسبت به احادیث، بیشتر از قرینه متصل سیاق، قرینه منفصل آیات مرتبط و قرینه عقلی در تفسیر آیه استفاده کرده است. ایشان بیشتر روایات مرتبط با آیه را با ادعای مخالفت با نص قرآن و تعارض میان آن‌ها، رد کرده است. با ارزیابی‌های صورت گرفته در این نوشتار درباره قرائن مستفاد ایشان، در قرینه بودن و نحوه کاربرد آن‌ها، نقد جدی وارد است.

- جوادى آملی هرچند از قرینه‌های مختلفی مانند قرینه سیاق، آیات مرتبط و حالات و ویژگی‌های مخاطبان در تفسیر آیه قصر نماز استفاده کرده، به دلیل وجود برخی کلمات و تعابیر مجمل در آیه که مبین آن‌ها در خود آیه و یا آیات دیگر قرآن نیامده، بیشتر از قرینه روایات معتبر معصومان (ع) که در تفسیر و تفصیل (بیان حدود و جزئیات) آیه وارد شده، به صورتی مناسب استفاده کرده است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، چاپ چهارم، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
۴. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. بابایی، علی اکبر (۱۳۹۵ ش)، *قواعد تفسیر قرآن*، قم: انتشارات سمت.
۶. بابایی، علی اکبر و دیگران (۱۳۹۲ ش)، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، قم: انتشارات سمت.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ش)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۸. خدمتکار آرانی و دیگران (۱۳۹۹ ش)، *بررسی نقش قرائن در گوناگونی رهیافت‌های تفسیری با محوریت تفسیر آیت‌الله صادقی ترانی و عزت دروزه*، مجله پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، سال ششم، شماره دوم. doi: <https://doi.org/10.22091/ptt.2020.4780.1654>
۹. خراسانی، علی ودشتی، محمود (۱۳۸۸ ش)، *آیه‌های نامدار*، قم: نشر جمال.
۱۰. شاکر، محمدکاظم (۱۳۷۹ ش)، *ریشه‌یابی اختلافات تفسیری*، مجله صحیفه مبین، شماره ۲۳.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۸ ش)، *ترجمان فرقان*، قم: انتشارات شکرانه.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۹۳ ش)، *نگرشی جدید بر نماز و روزه مسافران*، قم: انتشارات شکرانه.
۱۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۴ ش)، *رساله توضیح المسائل نوین*، تهران: انتشارات امید فردا.
۱۴. صادقی تهرانی، محمد (بی‌تا)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله (۱۳۷۷ ش)، *درس‌هایی از علوم قرآنی*، قم: نشر اسوه.
۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. عابدینی، احمد (۱۳۸۰ ش)، *حکم نماز و روزه مسافر در عصر جدید*، مجله فقه، دوره هشتم، شماره ۲۷-۲۸.
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی و شاه‌نوش فروشانی، محمد عبدالصالح (۱۳۹۸ ش)، *مفهوم قرینه و نقش آن در فهم معنای یک متن مبتنی بر مباحث الفاظ علم اصول*، مجله تحقیقات حقوقی، دوره بیست و دوم، شماره هشتاد و ششم. doi: <https://doi.org/10.29252/lawresearch.22.86.71>
۲۱. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ ق)، *اصول الفقه*، قم: انتشارات اسلامی.
۲۲. معین، محمد (۱۳۸۲ ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات بهزاد.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

Reference

Holy Quran

- Abedini, A. (2001). *Hukm-i namaz va roze-yi musafir dar 'asr-i jaded. Fiqh*, 8(27-28), 62-140.
- Azhari, M. (2001). *Tahdhib al-lughah*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic].
- Babaie, A. A. (2016). *Qawa'id-i tafsir-i Quran*. Qom: Samt Publications. [In Persian].
- Babaie, A. A., & et. al. (2013). *Ravanshenasi-yi tafsir-i Quran*. Qom: Samt Publications. [In Persian].
- Ibn Athir, M. (1988). *Al-Nihayah fi gharib al-hadith wa al-athar*, 4th ed. Qom: Muasassa-yi Matbuati-yi Ismailian. [In Arabic].
- Ibn Faris, A. (1984). *Mu'jam maqayees al-lughah*. Qom: Makatb al-Aalam al-Islami. [In Arabic].
- Ibn Manzour, M. (1994). *Lisan al-'arab*. Beirut: Dar Sadir. [In Arabic].
- Javadi Amoli, A. (2010). *Tafsir-i tasnim*. Qom: Isra Publications. [In Persian].
- Khedmatkar Arani, K. & et. al. (2021). A Study of the Impact of Clues in the Variation of Tafsir-Oriented Approaches: Evidence from the Quran Tafsirs of Ayatollah Sadeqi Tehrani and Ezzat Daruzah. *Comparative Interpretation Research*, 6(2), 261-284. doi: <https://doi.org/10.22091/ptt.2020.4780.1654>. [In Persian].
- Khorasani, A., & Dashti, M. (2009). *Aayeha-yi namdar*. Qom: Jamal Publications. [In Persian].
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir namunah*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian].
- Moein, M. (2003). *Farhang-i Farsi-yi Moein*. Tehran: Behzad Publications. [In Persian].
- Muhaqqeq Damad, M., & Shahnoush Furushani, M. A. S. (2019). The Concept of Evidence and its Role in Understanding of a Text. *Legal Research Quarterly*, 22(86), 71-98. doi: <https://doi.org/10.29252/lawresearch.22.86.71>. [In Persian].
- Muzaffar, M. R. (2010). *Uusl al-fiqh*. Qom: Islami Publications. [In Arabic].
- Sadeqi Tehrani, M. (2005). *Risale-yi towidh al-masa'il-i novin*. Tehran: Umid-i Farda Publications. [In Persian].
- Sadeqi Tehrani, M. (2009). *Tarjuman-i furqan*. Qom: Shukraneh Publications. [In Persian].
- Sadeqi Tehrani, M. (2014). *Nigareshi jaded br namaz va roze-yi musaferan*. Qom: Shukhraneh Publications. [In Persian].
- Sadeqi Tehrani, M. (n.d.). *Al-Furqan fi tafsir al-Quran bi-l Quran wa al-sunnah*. Tehran: Farhang-i Islami Publications. [In Arabic].
- Saduq, M. (1993). *Man la yahdaruhu al-faqih*. Qom: Daftar-i Intesharat-i Islami. [In Arabic].
- Shakir, M. K. (2000). Risheha-yi ikhtilafat-i tafsiri, *A Semiannual Journal of Qur'an and Hadith Historical Studies (previously Sahifa-yi Mubin)*, 23. [In Persian].
- Tabarsi, F. (1993). *Majma' al-bayan fi tafsir al-Quran*. Tehran: Nasir Khosro Publications. [In Arabic].
- Tabatabaei, M. H. (1997). *Al-Mizan fi tafsir al-Quran*, 5th ed. Qom: Daftra-i Intesharat-i Islami-yi Jamiat Modarresin-i Howze-yi Ilmiyyah. [In Arabic].
- Taheri, H. (1998). *Dars-hayi az 'ulum-i Qurani*. Qom: Usweh Publications. [In Persian].